

## واکای بیانی نیایش‌های حضرت ابراهیم (ع) در تفاسیر فریقین

سید مهدی رحمتی<sup>۱\*</sup>، فاطمه حاجی اکبری<sup>۲</sup>، سیده زینب رضوی کیا<sup>۳</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2023.28548.1036



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱



### چکیده

ایمان مذهبی و بهره‌مندی صحیح از دعا، رفتاری سفارش شده در فرهنگ اسلامی است که توان مؤمنان در رویارویی با مشکلات را تقویت می‌نماید. نیایش به عنوان مظهر قدردانی از خداوند متعال با حل تعارض‌های درونی، یکپارچه‌سازی شخصیت و کاهش رفتارهای نابه‌هنجار، زمینه سلامت معنوی فرد و اجتماع را فراهم می‌سازد. در مکتب انسان‌ساز پیامبران، دعا فرایندی است که از مطلوبیت ذاتی برخوردار است. بنابراین، انبیا هیچ‌گاه از نیایش با باری تعالی احساس خستگی و ملالت خاطر ننموده‌اند. ایشان افزون بر گسترش فرهنگ استعانت از خداوند و تزریق روحیه امید در جوامع انسانی با خاکساری در پیشگاه قادر مطلق، به مصاف خودخواهی‌ای که خود ریشه‌ی تمامی معایب و رذایل اخلاقی است، رفته‌اند. پژوهش کتاب‌خانه‌ای حاضر که به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی سامان‌یافته با تمرکز بر ادعیه قرآنی وحی‌بنیان و بهره‌گیری از روش تفسیر بیانی، دعاهای حضرت ابراهیم (ع) را کاویده و مسئله‌ی گستره، ارتباط و انسجام مناجات‌های ایشان را دنبال نموده است. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که با نگاهی سازوار و بیانی به مناجات‌های قهرمان توحید می‌توان دعاهای ایشان را در سه دسته جای داد: نخست، دعاهای ابراهیم (ع) برای خود، پدر و ذریه‌اش با محوریت آموزش و سعادت‌مندی در دنیا و آخرت. دسته‌ی دوم، ادعیه تکلیفی که ابراهیم (ع) در قالب آن، احکام الهی و شیوه‌ی اجرایی نمودن آن از پیشگاه الهی را مطالبه نموده و سرانجام از دسته‌ی سوم، می‌توان از دعاهای اختصاص یافته به خانه‌ی خدا با تکیه بر دو اصل امنیت و روزی‌بخشی به زائران بیت الله الحرام یاد نمود.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر بیانی، تفسیر قرآن، نیایش پیامبران، دعاهای حضرت ابراهیم (ع)

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه گنبد کاووس (نویسنده مسئول)\*، rahmati@gonbad.ac.ir

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد، f.hajiakbari@kub.ac.ir

۳- دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، zeinab.razavi65@gmail.com

## ۱. مقدمه

دریافت لطایف معنایی قرآن کریم در تمام عرصه‌های هدایتی کلام وحی با گستره‌ی اعتقادات، احکام، اخلاق و مسائل فردی و اجتماعی کوششی فراگیر و سزاوار ارج از سوی دانشمندان مسلمان است. در این میان، پی‌جویی موضوعی مفاهیم قرآنی امری حائز توجه است که گاه به در چهارچوب «تفسیر موضوعی» و «تدبر» و گاه در قالب تک‌نگاری‌های مستقل انجام شده است. پژوهش درباره‌ی موضوع نایش‌های پیامبران در قرآن کریم نیز در همین راستا دنبال شده و از دو نظر دارای اهمیت است. نخست آن‌که دعا، مفهومی سترگ در فرهنگ اسلامی است که افزون بر جلوه‌ی مناسکی و تجلی‌بخش عنصر بندگی و راز و نیاز با خالق، دربردارنده‌ی مفاهیم ارزش بنیان در قالبی متفاوت است. درنگ در ادعیه برجای مانده از معصومان (ع)، نشان‌گر آن است که دعا خود مکتبی جاودان و درس‌آموز در شیوه‌ی بندگی است. مکتبی که دعاکننده را با راه و روش مسئلت از درگاه الهی آشنا نموده و افق‌های نوینی در برابر وی می‌گشاید. آن‌طور که معرفت‌افزایی دعا‌های برجای مانده از اولیای دین، داعی را از درخواست‌های پیش پا افتاده و نابه‌جا رهانیده، همچون اکسیری بی‌نظیر او را دگرگون می‌سازد. در منظومه‌ی معرفتی اسلام، دعا فرصتی بی‌نظیر از سوی خالق است که بر بشر ارزانی شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۱/۹۱) و مقرون با وعده‌ی اجابت گشته است (غافر، ۶۰). تأمل در کاربرد واژه‌ی کلیدی «دعا» و واژگان مرتبط با آن با محوریت «استغاثه، عبادت، ذکر، صلاة، سؤال، استعاذه» در قرآن و روایات اسلامی معلوم می‌سازد که مراد از دعای انسان در پیشگاه خداوند، همان پرستش و ابراز نیازمندی بی‌حد و مرز در برابر بی‌نیاز مطلق با هدف جلب عنایت و رحمت الهی است. دعا، روح و مغز عبادت، کلید گشایش بخشایش پروردگار، مایه نزدیکی به خداوند و سرچشمه دست‌یابی به برکات فراوان در زندگی فردی و اجتماعی است. رفتاری که ریشه در تعقل داشته و با افزایش معرفت الهی، فزونی یافته و از این رو، بیش از همه مورد اهتمام پیشوایان دین قرار گرفته است. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۳۱: ۱۹-۹)

جنبه‌ی دیگر اهمیت تحقیق درباره‌ی نایش انبیا در قرآن، بازگشت به جنبه‌ی وحیانی کلام الهی و جایگاه دعا در آیات قرآن کریم دارد. قرآن به عنوان معجزه‌ی خاتم ادیان توحیدی، سند حقانیت اسلام و فصل مشترک تمامی مسلمانان با گرایش‌های مختلف کلامی و فقهی، افزون بر توصیه‌ی صریح به دعا و بیان منزلت آن (بقره، ۱۸۶؛ غافر، ۶۰؛ فرقان، ۷۷)، در رویکردی غیر مستقیم با گزارش دعا‌های پیامبران در بسترهای کلامی متناسب با درخواست، مخاطبان خود را با مفهوم دعا و اثربخشی آن آشنا نموده است. بنابراین، پژوهش حاضر با عنایت به جایگاه نایش انبیا در قرآن و محدودیت واکاوی و تحلیل دعا‌های

قرآنی تمامی پیام‌آوران با تکیه بر تفسیر بیانی ادعیه حضرت ابراهیم (ع) به عنوان قهرمان توحید و نقطه‌ی اتصال ادیان توحیدی، موضوع دعا را دنبال نموده است. مقاله پیش رو پس از یادکرد پیشینه پژوهش و بیان جنبه‌ی بی‌سابقه بودن خود، به تبیین جایگاه دعا در سیره و منش پیامبران در قرآن کریم می‌پردازد؛ سپس با بیانی مختصر به توضیح «تفسیر بیانی» به عنوان شیوه‌ی به کار رفته در تحلیل آیات اشاره می‌کند. در پایان نیز با تمرکز بر آیات دربردارنده‌ی نیایش‌ها و مناجات‌های حضرت ابراهیم (ع) در الگویی سه‌گانه، مسئله‌ی گستره، ارتباط و انسجام دعاهای ایشان را دنبال می‌نماید.

## ۲. پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را می‌توان در ساحت‌های پی‌جویی‌های پژوهشی در «مفهوم شناخت دعا و مسائل پیرامون آن» و واکاوی‌های انجام گرفته در حوزه دست‌یابی به «نیایش انبیا با محوریت حضرت ابراهیم در قرآن کریم» دنبال کرد. در عرصه نخست، محققان این اثر به نمونه‌هایی چند دست یافتند. نمونه‌هایی که دست‌مایه‌ی ادبیات تحقیق و دریافت زوایای پنهان و مغفول در حوزه‌ی ادعیه پیامبران در قرآن گشت. از جمله این آثار، می‌توان اشاره کرد به: «مشروعیت دعا نزد قبور اولیای الهی» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۳۱) این اثر که با رویکرد کلامی نگاشته شده، پس از اشارتی مختصر درباره‌ی مفهوم دعا، به شبهه‌ی منع از دعا در کنار قبور اولیای الهی پرداخته است. نگارنده با استناد به قرآن کریم، سیره و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان و نمونه‌های از دعای سلف صالح در کنار قبرهای بزرگان دین، دیدگاه وهابیت را نقد نموده است. پژوهش دیگر با رویکرد شناخت کارکردهای دعا، پژوهش میان‌رشته‌ای «نقش ذکر و دعا در سلامتی از منظر آیات و روایات» (حسین‌زاده فرد، محمدجعفری، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۹) است. این مقاله که با رویکرد سلامت انجام گرفته با فرض تأثیر عوامل مادی و معنوی در سلامت تن و روح، بر عامل معنوی و نقش ذکر و دعا تأکید نموده است؛ با این تفاوت که از نگاه ایشان، کارکرد ذکر تنها منحصر در سلامت روان بوده و تأثیر دعا اعم از جسم و روان است. نمونه‌ی پایانی این حوزه تحقیق را می‌توان «استجاب دعا و تغییر اراده الهی، پاسخی بر مبنای اخلاق دینی فضیلت‌گرا» (دهقان، ۱۴۰۰: ۲۲۱-۲۴۲) دانست. پژوهشی که با رویکرد فلسفه دین، ساز و کار فرایند دعا و مسئله‌ی اجابت را از دیدگاه اندیشه‌ی شیعی کاویده است. محقق با ارائه‌ی پاسخ‌های پنج‌گانه درباره‌ی رابطه‌ی استجاب دعا با تغییر اراده‌ی الهی، خود راهی دیگر را پیموده و تبیین موجه‌تر را پاسخ مبتنی بر ساختار اخلاق فضیلت‌گرا قلم‌داد کرده است. آن‌گونه که در فرایند استجاب دعا، داعی پیراسته و متحول می‌شود و هر اندازه که این تغییر بیشتر باشد، به سبب افزایش سنخیت داعی و مدعو، اجابت نزدیک‌تر خواهد شد.

سوی دیگر سابقه‌ی تحقیق که ارتباطی تمام با مقاله حاضر دارد، جست‌وجو درباره‌ی پژوهش‌های احتمالی انجام شده در تفسیر و تحلیل بیانی آیات قرآنی مرتبط با ادعیه پیامبران با تأکید بر حضرت ابراهیم (ع) است. نگارندگان با بررسی منابع پژوهشی مکتوب و الکترونیکی و تمرکز بر پژوهش‌های متمرکز بر دعا با محوریت، «نهج الدعاء» (محمدی ری‌شهری: ۱۴۳۱)، «مروری بر گستره دعاپژوهی» (خانی (فرهنگ مهروش)، ۱۳۸۹: ۷۰-۷۶) دریافتند که گرچه آثار متعددی در زمینه‌ی قصص قرآنی مرتبط با پیامبران، شیوه‌ی تبلیغی و احتجاج‌های توحیدی انبیا و چالش‌ها و شبهات مطرح شده همچون، عصمت درباره ایشان به نگارش درآمده؛ اما، درباره‌ی مسئله‌ی بررسی ابعاد، ارتباط و انسجام معنایی نیایش‌های پیامبران و به صورت ویژه، دعا‌های حضرت ابراهیم (ع) هیچ تحقیق مستقلی صورت نپذیرفته و همین امر زمینه‌ساز انجام پژوهش پیش رو است.

### ۳. نیایش انبیا در قرآن

در منظومه معرفتی اسلام، دعا چونان یکی از لشکریان سپاه عقل دانسته شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۱۹۷/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳/۱؛ صدوق، ۱۴۱۰: ۵۹۱). چراکه عقل رشد یافته و پیراسته از جهالت و استکبار، نیاز مطلق آدمی را دریافته و وی را به بندگی و نیایش با کمال مطلق فرامی‌خواند (غافر، ۶۰). از این رو، داناترین مردم به خدا، آنان هستند که در نیایشگری و مسئلت از بارگاه رحمت‌بخش، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۲). بنابراین، پیامبران به عنوان رشدیافته‌ترین آفریدگان که بیش از همه مشمول الطاف باری تعالی بوده و شایستگی دریافت و ابلاغ پیام وحی را کسب نموده‌اند، اهمیاتی بی‌نظیر به دعا و راز و نیاز با آفریدگار نعمت‌بخش داشته‌اند. به گزارش قرآن، گزاره‌های متعددی در زمینه دعا از انبیا به میراث مانده که شایسته‌ی انجام پژوهش‌های مستقل است. قرآن کریم تنها با یادکرد نام بیست و پنج تن از انبیا پرداخته و از میان ایشان، نیایش‌های دوازده تن را منعکس نموده است. راز و نیازهایی که شیوه‌ی نیایش را به مخاطبان خود آموخته و از جنبه‌های متعددی قابل بررسی و تحلیل است. آن‌طور که در یک نگاه می‌توان آن‌ها را به دو دسته‌ی نیایش‌های مستقیم و نیایش‌های غیر مستقیم، تقسیم کرد که هریک در دوگانه‌ی ایجابی و سلبی جای می‌گیرند (برقرار و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۸-۱۸۱). مقصود از دعا‌های مستقیم، ادعیه‌ای است که در آن فرستادگان الهی به صورت صریح از بارگاه الهی درخواست کرده و حاجت‌های مادی و معنوی خود را درباره‌ی رسالت خویش و هدایت مردم آشکار نموده‌اند. نیایش‌هایی که گاه رویکرد ایجابی داشته و در جهت اجابت امری نیکو و خیر از سوی نوح، ابراهیم، شعیب، یوسف، موسی، عیسی، زکریا و موسی (علیهم السلام) ایراد شده (بقره، ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹: نوح،

۲۸: ابراهیم، ۳۵، ۳۷، ۴۰ و ۴۱: شعراء، ۸۳: صافات، ۱۰۰: نمل، ۱۹: ۳۵: اعراف، ۸۹: یوسف، ۱۰۱: قصص، ۱۶، ۱۷، ۲۱ و ۲۲: انبیاء، ۸۹: مائده، ۱۱۴) و گاه از سوی نوح، موسی، محمد (علیهم السلام) (نوح، ۲۸-۲۶: شعراء، ۱۱۷ و ۱۱۸: یونس، ۸۸: انبیاء، ۱۱۲: به صورت سلبی رخ نموده و به مثابه‌ی تقاضای بازداشت رحمت، نزول عذاب و پایان‌بخشی به ستم و از میان برداشتن بساط ستمگران است.

دعاهای غیر مستقیم پیامبران، راز و نیازهایی است که گرچه در آن‌ها درخواست آشکار چه به صورت ایجابی (اعراف، ۲۳: هود، ۴۵-۴۷: ابراهیم، ۳۸ و ۳۹: ۴۱ و ۴۲: انبیا، ۸۷ و ۸۸: قصص، ۳۳-۳۵: طه، ۴۵ و ۴۶: آل عمران، ۴۰ و ۴۱: طه، ۱۱۴) و چه به صورت سلبی (نوح، ۲۱-۵) صورت پذیرفته؛ اما، نشان و دغدغه‌ی رسالت و هدایت را به همراه دارد. گزاره‌هایی که از آدم (ع) تا خاتم (ص) در قرآن دارای نمونه بوده و تصویرگر وضعیت نگران‌کننده دوران پیامبران و تلاش‌ها و نیایش‌های ایشان در راستای نجات جامعه و از میان برداشتن موانع سعادت است. تب و تابی که بیش از آن‌که در پی برآورده شدن نیازها باشد، نفس عبادت و ارتباط با باری تعالی را نمایان ساخته و عاملی توان‌افزا در برابر سختی‌ها به شمار می‌آید.

#### ۴. تفسیر بیانی، چرایی، چیستی و چگونگی

قرآن کریم معجزه جاودان و گنجینه‌ای بی‌نظیر برای سعادت‌مندی بشریت در دنیا و آخرت است. میراثی ماندگار که به میزان بهره‌مندی از دریای علم و صفای باطن راه‌گشای مخاطبان خود خواهد بود. قرآن به عنوان فصیح‌ترین نمود زبان عرب با معجزه‌ی کلام‌گونه و متمایز از دیگر معجزات پیامبران با اعجاز موسیقیایی بی‌نظیر، شنوندگان خویش را در طول تاریخ شیفته و مجذوب آوای ملکوتی خود نموده و در مسیر هدایت‌آفرینی و حیات‌بخشی در اوج صلابت و با رساترین گفتار ممکن، مراد خود را بیان نموده است (پورت، ۱۳۸۲: ۱۱۱؛ زرقانی، ۱۳۷۲: ۲/۲۳۴-۲۳۵). فهم صحیح و انس با قرآن کریم به عنوان انگیزه‌ای ریشه‌دار در کلام وحی و سیره‌ی بزرگان دین، نیازمند توانایی در ساحت‌های متعدد دانش و در نظر داشتن قراین مرتبط با کلام وحی است. امری که با حکمت نزول تدریجی و پراکندگی گزاره‌های قرآنی با موضوع مشترک در سوره‌های متعدد، پیوند خورده و نیاز به بررسی همه‌جانبه تمامی آیات همسان با هدف‌گذاری مشترک را ضروری می‌نماید (بابایی، ۱۳۸۱: ۹۲). فضای نزول، ترکیب دستور زبانی و بینش و جهان‌بینی حاکم بر قرآن کریم سه امر به‌هم‌پیوسته‌ای است که هرمنوتیک متن قرآنی برای تأیید نتایج خود با آن مواجه بوده و بیشتر اختلاف تفاسیر، نتیجه‌ی نوسان در شناخت و تأکید بر این سه جنبه دارد (ودود، ۱۴۰۰: ۱۲۰). در این میان، نزول قرآن در سرزمین عربی، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی ادبیات عرب در دریافت لطایف و زوایای معنایی قرآن و تلاش حداکثری دین‌پژوهان و اهل تفسیر در این عرصه شده و

مفسران گاه با بهره‌گیری از روش‌هایی خاص اما، اثرگذار به واکاوی معنایی معجزه‌ی خاتم پرداخته‌اند. ضرورتی که ریشه در وصف عربی مبین بودن، معجزه‌ی خاتم داشته و به تناسب آن مورد اهتمام رسول خدا (ص)، ائمه معصومین، اصحاب، تابعین و به دنبال ایشان مفسران قرآن کریم قرار گرفته است (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۵۳؛ سیوطی، ۱۳۹۸: ۴۴۹/۲). چه در نگاه بزرگان و مفسران قرآن کریم، ناتوانی در درک صحیح زبان قرآن افزون بر محرومیت از دریای بی‌کران معانی کلام خدا، زمینه‌ساز در افتادن در وادی تفسیر به رأی، تحریف معنوی و تأویل ناپسند قرآن کریم گشته که خود می‌تواند شکل‌گیری باورها و افکار انحرافی منتسب به معجزه‌ی خاتم را رقم زند. (فایده، ۱۹۷۳: ۱۴۷). تفسیر بیانی یکی از این شیوه‌های ثمربخش در فهم دقیق و قاعده‌محور کلام وحی به شمار می‌آید. گرچه مفسران قرآن کریم در طول سالیان متمادی از این روش ادبی در فهم قرآن بهره برده‌اند؛ اما، هیچ‌یک تعریف مستقل و دقیقی از آن ارائه نکرده و آن را به صورت روشمند مورد مطالعه و بررسی قرار نداده‌اند؛ تا آن‌که در دوران معاصر، عایشه عبد الرحمن بنت الشاطی با پی‌جویی تفسیر ادبی استادش امین خولی، رویکرد نو و طرحی متمایز را در انداخت که به «التفسیر البیانی» موسوم گشت (طیب حسینی، ۱۳۹۵: ۱۸۳). رویکردی برآمده از ویژگی تبیان بودن قرآن کریم (نحل، ۸۹) که در عین توجه به قرائن و مصادر منفصل از قرآن کریم، محور اصلی فهم را بر بررسی آیات مشتمل بر موضوعات همسان استوار می‌سازد. در این روش، گرچه سیر زمانی نزول آیات قرآن و روایات پیرامونی آن مورد توجه است، اما نص قرآن کریم مدار تفسیر قرار گرفته و قاعده‌ی اعتبار عمومیت لفظ در برابر خصوصیت سبب معیار فهم دقیق می‌باشد. رویکردی که به سبب متن‌محوری، بر اهمیت شناخت واژگان و سیاق و بافتی که گزاره‌های قرآنی را احاطه نموده تأکید می‌نماید. از سوی دیگر در این روش، با وجود به کارگیری قواعد ادبی اعم از صرف، نحو، بلاغت و مفردات، اصل اولیه نص قرآن کریم است. به گونه‌ای که در روش بیانی، قواعد ادبی اصل نهاده نمی‌شود تا در صورت عدم انطباق قرآن با آن، بستر تأویل کلام وحی را فراهم آورد؛ بلکه، آیات قرآن کریم همواره بر قواعد ادبی حاکم است. چراکه قرآن کریم در اوج اعجاز بیانی و اصالت است. قرآن، خود زمینه‌ساز مانایی زبان عربی و پردازش‌های پسینی ادبی بوده و هیچ قاعده‌ی ادبی ساخته‌ی ذهن بشر را نسزد که بر قرآن کریم حاکم باشد (بنت الشاطی، ۱۳۹۷: ۱۰/۱-۱۱؛ سبحانی، ۱۴۲۲: ۱۴۵-۱۴۷؛ جبر، ۱۴۲۱: ۱۰۳).

بنابراین، پژوهش پیش رو در عین توجه به مصادر و منابع تفسیری با بهره‌گیری از رویکرد بیانی و اصول مطرح شده در آن تلاش می‌کند تا از مسیر گردآوری آیات مرتبط با موضوع همسان «ادعیه حضرت ابراهیم (ع)» به هم‌سنجی معنایی آیات و دریافت دلالت‌های آن دست یابد.

## ۵. ادعیه حضرت ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم (ع)، قهرمان و الگوی بی‌بدیل باورمندان به توحید بوده که سرگذشت پر فراز و فرود حیاتش از رسیدن به نبوت، رویارویی با کافران در افتادن در آتش نمود، فداکاری ذبح فرزند تا بنای خانه‌ی کعبه در سوره‌ها و آیاتی چند از قرآن کریم گزارش شده است. پیامبری که با موفقیت در آزمایش‌های الهی و گذراندن پله‌های رشد شایسته‌ی مقام امامت گشت (بقره، ۱۲۴) و قرآن کریم با تأکید بر اسوه بودن ایشان (ممتحنه، ۴)، اوصاف قابل تأملی را درباره‌اش به کار برده که بررسی هریک از آنها نیازمند پژوهشی درخور است. «قانت» و «فرمان‌بردار پروردگار» (نحل، ۱۲۰)، «نیکوکار» و «برگزیده‌ی الهی» (بقره، ۱۳۰)، «حنیف» و «حق‌گرا» (بقره، ۱۳۵، آل عمران، ۹۵، نساء، ۱۲۵؛ انعام، ۱۶۱)، «اهل یقین» (انعام، ۷۵)، «خداترس»، «بردبار» و «اهل تضرع» (توبه، ۱۱۴؛ هود، ۷۵)، «بسیار راستگو» (مریم، ۴۱)، «پای‌نبدبند به عهد» (نجم، ۳۷)، در شمار مهم‌ترین این صفات است.

به بیان قرآن، ابراهیم (ع) خود یک اَمّت بود. (نحل، ۱۲۰) چه شعاع وجودی‌اش آن‌چنان پرنور و تابناک بود که گرچه یک تن بود، اما شخصیت انسان‌سازش همچون یک اَمّت بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۸/۱۱). شخصیتی که بر اساس گزارش قرآن، به عنوان راهبر و مقتدای انسانیت، مورد مصادره‌ی به مطلوب اهل کتاب نیز واقع شد (آل عمران، ۶۵). به گونه‌ای که مسیحیان و یهودیان برای اثبات حقانیت خویش، ابراهیم (ع) را از خود می‌دانستند. ادعایی که از سوی قرآن بر آن خط بطلان کشیده شد و شخصیت جهان‌شمول و حق‌مدار ابراهیم (ع) و ذریه‌ی وی را بیش از پیش نمایان ساخت (بقره، ۱۴۰). از این رو، شناخت سیره و راه و روش نماد و نمود توحید با تأکید بر آیات قرآن کریم امری سترگ و مورد سفارش قرآن کریم است (ممتحنه، ۶) و تحقیق پیش‌رو به سبب گستره‌ی قابل توجه آیات مرتبط با زوایای متعدد زندگی حضرت ابراهیم (ع)، با تمرکز بر آیات دربردارنده‌ی نیایش‌های ایشان و ارائه‌ی تقسیمی سه‌گانه از آنها، توصیه به سرمشق‌پذیری از ابراهیم (ع) را دنبال می‌کند.

### ۵-۱. دعا برای خود، پدر و ذریه

قرآن کریم در آیاتی چند به گزارش نیایش‌ها و درخواست‌های ابراهیم (ع) درباره خود و ذریه‌اش اشاره نموده است. در این بخش با تفکیک این عنوان به دو بخش دعای به خود و دعای به ذریه به واکاوی بیانی آیات می‌پردازیم.

## ۵-۱-۱. دعا برای خود

حضرت ابراهیم (ع) در فرازهایی از گفت‌وگویی خود با باری تعالی به یادکرد درخواست‌های خویش از خداوند متعال در قالب نیایش و مسئلت پرداخته که آیات آن از قرار زیر است:

**الف.** {زَبَّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْجِئَنِي بِالصَّالِحِينَ (۸۳) وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸۴) وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (۸۵)} (شعراء): پروردگار، مرا حکمت بخش و به شایستگان ببیوند\* و برای من در آیندگان آوازه‌ی نیکو قرار بده\* و من را از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده.

حدود بیست آیه از آیات سوره شعرا اختصاص به حضرت ابراهیم (ع) دارد. آیاتی که با پرسشگری اعتقادی ابراهیم (ع) از پدر و قومش درباره شرک و بت‌پرستی آغاز می‌شود. پرسشی انکاری در قالب چهار آیه (شعرا: ۷۰-۷۳) که در مقام اثبات نادرستی باورهای شرک‌آلود آنان است. آن‌گاه در بیانی مختصر پاسخ مشرکان که همان تقلید و پیروی از گذشتگان است، منعکس می‌گردد. تفصیل و اجمالی که خود نشان از ارزش باور توحیدی و بی‌مایگی خاستگاه شرک است. سپس نقطه‌ی آغازین ورود به فرازهای نیایشی ابراهیم (ع) به میان می‌آید. ایشان در پاسخ به مشرکان، آنان را به تأمل درباره‌ی بی‌اثری بتان فراخوانده و به بیان ستایش‌گونه‌ی ویژگی‌های خداوند متعال می‌پردازد. آن‌گاه در التفاتی معنادار از غیبت به خطاب، ثنای الهی را مقدمه‌ی نیایش و درخواست‌های چندگانه‌ی خویش قرار می‌دهد. امری که نشان از اهمیت مقدم داشتن حمد و ستایش بر دعا و نیایش داشته (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۴/۲۴) و در روایات اسلامی نیز بر آن تأکید شده، به گونه‌ای که نگارنده‌ی کافی در کتاب «الدعاء»، بابی را با عنوان «بَابُ التَّنَائِئِ قَبْلَ الدُّعَاءِ» به آن اختصاص داده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸۴-۴۸۶)

مفسران درباره تبیین درخواست «حُكْم» مفاهیم و مصادیق متعدد، نبوت و رسالت به سوی خلق (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۰۴/۷)، لُبِّ (قرطبی، ۱۹۶۴: ۱۱۲/۱۳)، فهم و علم (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۴۱/۳)، معرفت خداوند و حدود و احکام الهی (ثعلبی، ۲۰۰۲: ۱۷۰/۷) را یاد کرده‌اند. هم‌چنین، مقصود از صالحان را نیز پیامبران و مؤمنان دانسته که دو احتمال الحاق و همراهی با ایشان در دنیا و یا همراهی با آنان در آخرت و برخورداری از پاداششان را مطرح نموده‌اند (ماوردی، ۲۰۰۰: ۱۷۶/۴). قرار گرفتن واژه‌ی «لسان» در فراز {وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ} (شعرا، ۸۴)، به جای کلمه‌ی «قول» بیانی استعاری است (ثعلبی، ۲۰۰۲: ۱۷۰/۷) و استجاب دعا و درخواست ابراهیم (ع) مبنی بر باقی ماندن نام و یاد نیک از او نیز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. چه تمامی متدینان و باورمندان به خدای تعالی، وامدار نبوت ابراهیم (ع) بوده و به ولایت وی مفتخرند (آل عمران، ۶۵). هم‌چنین به کار بردن تعبیر وارث بهشت شدن،



نشان از بهره‌مندی حداکثری از بهشت جاودان و نعمت‌های بی‌بدیل آن است. گویی ابراهیم (ع) با این بیان، افزون بر ورود بر بهشت و استقرار در آن، خود را به مثابه‌ی فردی در نظر گرفته که اثری به وی می‌رسد و او به شکل کامل و بدون هرگونه مانع توان استفاده از آن را دارد (مراغی، ۱۹۴۶: ۵۷/۱۹). بنابراین، ارتباطی منطقی میان درخواست‌های ابراهیم در این آیات وجود دارد. آیاتی که پیش‌تر بر باور به خداوند متکی شده و سیر نکوسیرتی (شعرا، ۸۳)، نیک‌نامی (شعرا، ۸۴) و نیک‌انجامی (شعرا، ۸۵) را به دنبال دارد.

**ب.** { لَا تُحْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ (۸۸) } (شعراء)؛ و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن. (۸۷) روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌بخشد (۸۸).  
 حضرت ابراهیم (ع) پس از درخواست‌های سه‌گانه‌ی خود، سوی دیگر خواسته‌اش را که دوام نعمت و بازداري از درافتادن در عذاب است، از پیشگاه الهی مسئلت می‌کند: {و لَا تُحْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ}؛ و مرا در روزی که مردم برانگیخته می‌شوند، رسوا و خوار مگردان (شعراء، ۸۷) واژه‌ی «حزنی» که در ساختار فعل نهی در این آیه به کار رفته، به معنای یاری نشدن از سوی کسی است که امید یاری وی می‌رود. گویی این آیه افزون بر بیان درخواست ابراهیم (ع) در مقام بیان سختی و هراس بی‌سابقه‌ی آدمیان در روز قیامت است. روزی که هر انسانی نیازمند یاری قدرت مطلق عالم بوده و هیچ‌کدام از اسباب این عالم دیگر کارساز نخواهند بود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۸/۱۵) از این رو، در آیه‌ی ناتوانی بشر در رستخیز این‌گونه بیان شده است: {يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ}؛ روزی که دارایی و فرزندان (پسران) سودی نمی‌بخشند (شعرا، ۸۸). شایان ذکر است که یادکرد واژه «بنین» به معنای پسران از یک‌سو، بیان‌گر آن است که هیچ یار و یآوری بدون خواست خداوند در روز قیامت راه‌گشا نخواهد بود. چه هنگامی که فرزندی پسر نتواند پدرش را یاری کند، دیگر چه امیدی به نصرت دیگران است. هم‌چنین، علت ذکر واژه پسران به جای پدران که شاید می‌توانست عطف و قدرت بیشتری را منعکس سازد، به سبب تناسب با آیات پیشین و بی‌بهره بودن ابراهیم (ع) از یاری والد مشرک خود در دنیا است (قرطبی، ۱۹۶۴: ۱۱۴/۱۳). مسئله‌ای که در میان نیایش‌های ابراهیم (ع) در همین سیاق بین دعاهای ابراهیم برای خودش فاصله انداخته تا شاید این وجه معنایی را منتقل نماید: {وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ}؛ و از والد (عمویم) درگذر که او از گمراهان بود (شعرا، ۸۵).

ج. {رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} (ممتحنه، ۵)؛ پروردگارا، ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما بیخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

دعای یاد شده، سومین نمود نیایش ابراهیم (ع) با خداوند متعال است که در بردارنده‌ی درخواست ایشان می‌باشد. با این تفاوت از دو فراز پیشین که دیگر درخواست مطرح شده با صیغه‌ی متکلم وحده و به صورت فردی مطرح نشده است. در این دعا ابراهیم (ع) با قرار دادن خود در کنار دیگر مؤمنان به پیشگاه خداوند منان عرضه می‌دارد که دست‌مایه‌ی ابتلای کافران و مورد آزار و رنج آنان قرار نگیرند. دعایی که با اشاره‌ی اختصاصی به مورد سؤال، مسئله‌ی نام بردن درخواست و مطالبه‌ی جمعی و تأثیرگذاری آن بر اجابت را یادآور می‌شود. دو موضوعی که در روایات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷۴/۲؛ ۴۸۷). مفسران در بیان این فراز و تبیین فتنه واقع نشدن هم‌داستان نیستند. اما با وجود تفاوت با یکدیگر، همگی در نقطه‌ی دفع شر و خطر مشترکند. از مفسران نخست، ابن عباس این‌طور تفسیر نموده که خداوند کافران را بر مسلط نکن تا این‌گونه گمان کنند که بر حق هستند. مجاهد می‌گوید: پروردگارا ما را به وسیله کافران و دیگران عذاب نکن تا این تصور برای آنان پیش نیاید که عذاب ما به دلیل باطل بودن راه و مسیر ماست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۰۷/۹). برخی نیز گفته‌اند که مراد آن است که خداوند روزی را بر ما تنگ و بر کافران مگستر، چراکه اگر چنین شود، این مایه‌ی رنج و ناراحتی ما خواهد بود. در تفسیری نیز مراد از «لا تجعلنا فتنه» آن دانسته شده که پروردگارا ما را سبب عذاب کافران قرار مده که در این صورت، آیه دیگر دعای ابراهیم (ع) به شمار نمی‌آید (رازی، ۱۴۲۰: ۵۲۰/۲۹). تعبیر پایانی آیه «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، یادآور نکته‌ی مهمی است که همان باور و اطمینان به اجابت دعاست. ابراهیم (ع) با این بیان، استجاب دعا را با چیرگی و غلبه‌ی اراده‌ی الهی و اتقان تمامی افعال او، پیوند زده و امید به دفع شر را در دعای خویش زنده نگاه داشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۳۳/۱۹). امری که به عنوان یکی از عوامل استجاب دعا در روایات اسلامی بدان اشاره شده است. آن‌طور که امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «إِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»؛ هر گاه دعا کردی، باور داشته باش که حاجت بر در خانه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۲/۹۰).

### ۵-۱-۲. دعا برای پدر

حضرت ابراهیم (ع) در دو موضع از قرآن کریم، سرپرست خود آزر (انعام، ۷۴) را دعا نموده است (ابراهیم، ۴۱؛ شعراء، ۸۶). اندیشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم درباره‌ی آن که آزر، عمو یا جد

مادری (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۷۵/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۹۷/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۱۵) و یا پدر بی‌واسطه‌ی ابراهیم (ع) (طبری، ۱۴۱۲: ۳۱۷/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۷/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۹/۲) بوده، اختلاف نظر دارند. اختلافی که به سبب مشرک بودن آزر مهم به شمار آمده و بر تفسیر دعا‌های ابراهیم (ع) اثرگذار است. از این رو، در تفسیر آیه‌ی {رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ}؛ پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادر و بر مؤمنان ببخشای (ابراهیم، ۴۱). برخی برآنند که دعای ابراهیم (ع) زمانی صورت پذیرفته که پدر و مادر او زنده بوده و این دعا با هدف دعوت ایشان به توحید و تسلیم شدن در برابر خداوند انجام شده است. برخی دیگر با هدف پرهیز از انتساب دعای قهرمان توحید برای مشرکان، مراد از تعبیر «لِوَالِدَيَّ» را پدر و مادر معنوی ایشان، آدم و حوا دانسته‌اند. در سوی دیگر، تفاسیری قرار دارند که با استناد به اختلاف قرائت و خوانش این واژه‌ی کلیدی به «لِوَالِدَيَّ»، آیه را متوجه اسحاق و اسماعیل کرده و آن را دعای ابراهیم (ع) درباره دو فرزندش قلم‌داد نموده‌اند. برداشتی که با سیاق آیه نیز سازگار است، چراکه در دو آیه‌ی پیشین سخن از اسحاق و اسماعیل در میان می‌باشد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۱۶/۲). مفسران دیگری نیز براساس آن که شهادی بر مشرک بودن مادر ابراهیم (ع) وجود ندارد و این که قرآن نیز تنها به یادکرد عذر ابراهیم (ع) در دعای بر پدر کافر اشاره نموده، قرائت «لِوَالِدَيَّ» را که تنها ناظر بر آزر است، روا دانسته‌اند (قرطبی، ۱۹۶۴: ۳۷۵/۹).

باری فارغ از اختلاف‌های یاد شده، باید افزود که دعای ابراهیم (ع) در این فراز قرآنی دربرداخته‌ی فوایدی است. از جمله این فواید جایگاه استغفار و جمع‌خواهی در دعا و اهمیت دعای بر پدر و مادر است. چه ابراهیم (ع) تنها به دعای بر خویشتن بسنده نکرده و با ندای اجتماع‌محور «رَبَّنَا»، خواستار مغفرت الهی در روز حسابرسی برای پدر و مادرش و دیگر مؤمنان از درگاه الهی شده است.

آیه‌ی {وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ}؛ (پروردگارا) و پدرم را ببخشای که او از گمراهان بود (شعرا، ۸۶). دومین دعای ابراهیم (ع) برای پدرش است. دعایی که در سیاق دعا‌های ابراهیم برای خودش جای گرفته و همچون دعای پیشین تفاسیر متعددی را به دنبال داشته است. مفسران با رویکرد بیانی، نخستین توجهشان به آیه مسئله‌ی تناسب این دعا و جای گرفتن آن در میانه‌ی دعا‌های ابراهیم (ع) برای خویشتن است. بر این اساس، نگارنده‌ی تفسیر کبیر بر آن است که حضرت ابراهیم (ع) پس از طلب سعادت و پایان یافتن خواسته‌های دنیوی و اخروی خود، این درخواست‌ها را برای نزدیک‌ترین افراد به خود، یعنی پدرش مطالبه نموده و این همان راز قرار گرفتن این دعا در میان دعا‌های ابراهیم (ع) برای خود است. چرایی و چگونگی مغفرت‌خواهی ابراهیم (ع) برای آزر مسئله‌ی دیگری است که با وجوهی چند مورد

بررسی و تفسیر قرار گرفته است. از جمله آن که مغفرت مسئلت شده در این آیه، مشروط به اسلام است و تا هنگامی که شرط آن برآورده نشود، اجابت نخواهد شد.

گویا ابراهیم (ع) در این دعا، تسلیم شدن پدرش در پیشگاه الهی را از درگاه خداوند خواسته است. صورت دیگر بیان این دعا، بازگشت آن به وعده‌ی استغفار برای پدر از جانب ابراهیم (ع) است. قرآن کریم وعده‌ی یاد شده را این چنین گزارش نموده است: {وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ}؛ و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش جز به سبب وعده‌ای که به او داده بود، نبود. چون بر وی آشکار شد که او دشمن خداست از او بی‌زاری جست؛ یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود (توبه، ۱۱۴). وجه دیگر تبیین آیه، آن است که پدر ابراهیم به وی گفته بود که در باطن بر دین ابراهیم و به ظاهر از سر ترس و تقیه، متدین به آیین نمرود است و ابراهیم (ع) بدین سبب او را دعا نمود؛ اما، آن هنگام که خلاف گفته‌ی آزر آشکار شد، ابراهیم (ع) از او بی‌زاری جست (رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۷-۵۱۶/۲۴).

### ۵-۱-۳. دعا برای ذریه

اهتمام به سرنوشت فرزندان و نسل‌های آینده موضوعی است که در دعاهای ابراهیم (ع) آشکار شده است. ابراهیم (ع) با رویکردی آینده‌نگر و دغدغه‌محور در ریشه‌دار نمودن پایه‌های توحید، نخست از خداوند فرزندان صالح را درخواست نموده و در رویکردی عام برای دیگر فرزندان که از نسل آن پای در عرصه‌ی حیات خواهند گذارد، دعا کرده است.

### ۵-۱-۳-۱. دعای خاص

آیه‌ی {رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ}؛ پروردگارا فرزندی به من ببخشای که از صالحان باشد. (صافات، ۱۰۰) را می‌توان دعای ابراهیم برای فرزندان بی‌واسطه‌ی خود به شمار آورد (طبری، ۱۴۱۲: ۷۲/۲۱). دعایی جامع و همسان با درخواست ابراهیم درباره‌ی الحاق خویش به صالحان (شعرا، ۸۳) که با تعبیری تمام و در نهایت اختصار، ایراد شده است. چه تعبیر «الصالحین» مفهومی فراگیر را به همراه داشته و پاک‌سرشتی و نیک‌انجامی را در تمامی ابعاد زندگی در برمی‌گیرد. دعایی که مورد اجابت خداوند متعالی قرار گرفت و در قرآن کریم به استجاب آن درباره‌ی اسحاق (صافات، ۱۱۲) و اسماعیل (انبیاء، ۸۵ و ۸۶) اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰۴/۱۹).

## ۵-۱-۳-۲. دعای عام

سوی دیگر دعاهای ابراهیم، درخواست‌های ارزشمند وی برای مطلق ذریه و فرزندان است که تا آخر الزمان، ریشه در نسل ابراهیم (ع)، به عنوان خاستگاه یکتاپرستی دارند. نیایش‌هایی دامنه‌دار و گسترده که مشمول پیامبر خاتم (ص) نیز شده و نشان از وسعت نظر و رویکرد موحدانه و جهان‌شمول قهرمان توحید دارد.

**الف.** دو آیهی {رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ ارِنَا مَنَاسِكَنَا وَ ثُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸) رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹)} (بقره)، پس از برپایی خانه‌ی کعبه توسط ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) گونه‌ی نخست دعا برای ذریه‌ی است. نیایش‌هایی درخواست محور که پس از امتثال فرمان برپایی کعبه صورت پذیرفته و نشان از ارتباط اجابت دعا و عمل به وظیفه را به همراه دارد. چه ابراهیم (ع) پس از گذراندن آزمایش‌هایی چند و رسیدن به مقام امامت و شایستگی عمران نماد توحید، به دعا پرداخته است (بقره، ۱۲۴-۱۲۶) و کلیدواژه‌های «مُسْلِمِينَ» و «مُسْلِمَةً» که نشان از فرمان‌پذیری محض خالق و ایمان خالص به پروردگار دارد، نشانه‌ی آن به حساب می‌آید (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۷۲۰/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۶/۱).

دعایی دراز دامن و ایمان بنیان که در امتدادش، رسالت حضرت محمد (ص) را به عنوان نمود کمال یافته‌ی تسلیم و یگانه نسل ممتاز از حضرت اسماعیل (ع) به دنبال دارد (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۵۶۵/۱). چراکه ابراهیم (ع)، نسل خویش را که در مکه جای داده بود، دعا نمود و تنها ذریه برجای مانده از وی در مکه، اسماعیل (ع) و فرزندان وی هستند (خازن، ۱۴۱۵: ۸۲/۱). از این رو، پیامبر اکرم (ص) نیز خود را دعای مستجاب ابراهیم (ع) خوانده و فرموده‌اند: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» (حاکم نيسابوری، ۱۴۱۱: ۴۵۳/۲؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۶۹/۴).

**ب.** {رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ} (ابراهیم، ۳۷)؛ پروردگارا! من برخی از فرزندانم را در دره‌ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا! برای این که نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان متمایل کن و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی بخش، باشد که قدر بدانند.

ابراهیم (ع) به فرمان الهی همسرش هاجر و اسماعیل (ع) را به مکه که سرزمینی بی آب و علف و به دور از هرگونه آبادانی بود، رهسپار کرد؛ آن گاه دعای خود را متوجه ایشان ساخت. دعایی مستجاب که با تکرار «رَبَّنَا» ربوبیت الهی را نشانه رفت و از یک سو در پی جلب منافع مادی برای این سرزمین و ساکنان آن بود و از سوی دیگر زمینه ساز روی آوردن جانها به آن و قبله‌ی عالم قرار گرفتن آن گشت (ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۵۱۴/۴). باری همان طور که در آیه آشکار است، ابراهیم (ع) نخست عمل خالص خویش را که همان هجرت عزیزان خود به سرزمینی به دور از هرگونه عناصر حیات بود، پیش فرستاد و سپس درخواست‌های خود را درباره‌ی ایشان به بارگاه الهی روانه نمود. این همان سفارشی است که در روایت علوی (ع) نیز انعکاس یافته که: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي»؛ دعاکننده‌ی بدون عمل و تلاش، همچون تیراندازی است که کمانش، بی‌زه باشد (صدوق، ۱۴۱۰: ۶۲۱/۲).

## ۵-۲. دعاهای تکلیفی

بخش دیگر از دعاهای حضرت ابراهیم (ع)، نیایش‌ها و درخواست‌هایی است که بیش از همه با مسئله‌ی عبادت و وظایف بندگی پیوند خورده است.

**الف.** آیت {رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا إِنْكَ أَنْتَ النَّوَّابُ الرَّحِيمُ} (بقره، ۱۲۸). نمود نخست این دست از دعاهای ابراهیمی است. «أَرِنَا مَنَاسِكَنَا» تعبیر محوری در این آیه به شمار می‌رود. واژه‌ی «مَنَاسِك» جمع «منسک» و در معانی؛ مکان ذبح قربانی، موضع عبادات، اعمال حج و شیوه‌ی حج‌گزاری و مطلق عبادات بیان شده است (فیومی، ۱۹۹۴: ۶۰۳/۲؛ قرطبی، ۱۹۶۴: ۱۲۸/۲). دعایی که با نزول جبرئیل و آموزش وی تحقق یافته و در اعمال طواف، رمی جمرات و حلق نمودار گشت و به مناسبت پرسش جبرئیل «أَعْرِفْتُمْ؟» از ابراهیم (ع) مبنی بر شناخت دقیق اعمال، عرفات نام گرفت (خازن، ۱۴۱۵: ۸۱/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۳۱/۱). گویی ابراهیم (ع) پس از بنیان نهادن خانه‌ی توحید، با دعایی تکلیفی، افزون بر یادکرد اهمیت جایگاه حج و محوریت خانه‌ی خدا، توقیفی بودن راه و رسم عبادت را نیز بر بندگان هویدا ساخت.

**ب.** {رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ دُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ} (ابراهیم، ۴۰)، دعایی است که نشان از اهمیت مداومت ارتباط با خالق و راز و نیاز با او دارد. ابراهیم (ع) با این دعا، حقیقت ارزشمندی پیوستگی دعا، پابندی داعی به آن و سزاواری پاسداشت و نگاهداری متسمر را آشکار ساخته است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۹/۷).

**ج.** {وَأِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} (بقره، ۱۲۷)  
 نمود سومین دعای تکلیف‌مدار ابراهیم (ع) است. ایشان در این آیه و در سوره‌ی ابراهیم (ابراهیم، ۴۰) با اندکی تفاوت در تعبیر، مسئله‌ی پذیرش عمل و دعا را از خداوند درخواست نموده‌اند. دعایی پس از بنا نهادن و برافراشتن بنیان توحید که به مخاطبان کلام وحی، اهمیت پذیرفته شدن عمل را یادآور می‌شود. چراکه گاه انسان پیش از اقدام به عمل همواره دست به دعا برداشته و یاری خداوند را جویا می‌شود؛ اما، گاه پس از برآورده شدن حاجت خویش، ضرورت پایداری عمل را به دست فراموشی می‌سپارد (الشربینی، ۱۲۸۵: ۹۲/۱). هم‌چنین این دعا، اهل ایمان را از فریب شیطان و درافتادن در وادی غرور و خودپرستی نجات می‌بخشد. چه داعی با بیان «تَقَبَّلْ مِنَّا» عمل خود را تمام شده تلقی نموده و هم‌چنان در انتظار قبول الهی است (مراغی، ۱۹۴۶: ۲۱۶/۱).

### ۵-۳. دعا‌های متعلق به خانه خدا

بخش پایانی دعا‌های حضرت ابراهیم (ع) را می‌توان در دعا‌های ایشان درباره‌ی بیت الله الحرام جای داد. مناجات‌هایی که دو مطلوب امنیت و روزی گسترتری را سرلوحه‌ی خود قرار داده است.

**الف.** {وَأِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ}؛ (یاد کن) آن هنگام را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر (مکه) را امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگاه دار (ابراهیم، ۳۵). ابراهیم (ع) نخست با تعبیر {وَأِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا} (بقره، ۱۲۶)، امنیت عام را که نیاز برپایی زندگی در سرزمین خالی از سکنه بود، درخواست نمود. سپس با تعبیر {وَأِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا} (ابراهیم، ۳۵)، حاجت خویش را متوجه مکه ساخت و امنیت خاص برای حیات ایمانی را مسئلت نمود. دعایی که از سوی خداوند اجابت گشت (عنکبوت، ۶۷؛ آل عمران ۹۶ و ۹۷) و ضامنی اجرایی در جهت امنیت بخشی حاجیان و حرم امن الهی شد. چه گرچه در گذر زمان گروه‌هایی با کشتار و آزار زائران حرم امن الهی، امنیت و جان آنان را به خطر افکند، اما آیه‌ی یاد شده و اجابت صورت پذیرفته ناظر بر جنبه‌ی شرعی آماده‌سازی سرزمین وحی جهت ارتباط با معبود بوده و تناقضی میان آن و رویدادهای صورت پذیرفته از سوی ناباوران نیست (شعراوی، ۱۴۱۸: ۱۸/۱۰۹۷۰).

**ب.** {وَأِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ}؛ و [یاد کن] زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این [مکان] را سرزمین امن قرار ده و مردمش را - آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند از هر نوع فرآورده‌ای روزی بخش - (خداوند فرمود:) [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم،

ولی] هر کس کفر ورزد، بهره اندکی به او نیز خواهیم داد؛ سپس او را به عذاب آتش می‌کشانم و چه بد سرانجامی است (بقره، ۱۲۶). سیاق این آیه نشان از آن دارد که دعای ابراهیم (ع)، نخست متوجه خانواده خود است که بر اساس خواست خداوند به این سرزمین هجرت داده شد و در ادامه، شامل تمامی مؤمنانی است که در آن سکنی گزینند (طبری، ۱۴۱۲: ۴۷/۲). با این نکته که ابراهیم (ع) دعای خود را تنها به اهل ایمان محدود ساخت، اما رحمانیت ذات الهی اقتضا نمود که بد و نیک از نعمت‌های الهی در دنیا در این منطقه بهره‌مند شوند. درخواست و اجابتی که بیان‌گر اهمیت درخواست عام از پیشگاه خدا و رحمت گسترده و بخشایش وی بر تمامی بندگان دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

این نوشتار، جهت واکاوی بیانی نیایش‌های حضرت ابراهیم ع در تفاسیر فریقین نگاشته شده و به نتایج و پیشنهادات ذیل دست یافته است:

۱. راز و نیاز و نیایش با پروردگار، افزون بر کارکرد معنوی و اثربخش خود، یکی از منابع معرفتی در خاتم ادیان توحیدی است. رفتاری که افزون بر تصویرگری واقع‌بینانه از حقیقت حیات، هدف و نیازهای واقعی بشری را آشکار می‌سازد.
۲. در این میان دعا‌های منعکس شده در منابع اسلامی، دعا‌های قرآنی به سبب برخورداری از ضمانت وحیانی بیش از همه شایسته‌ی توجه و تتبع است. درنگ بر ادعیه‌ی قرآنی نشان از آن دارد که گستره‌ی این امر، دنیا و آخرت را پوشش داده و نقشه‌ی راه سعادت دنیوی و اخروی بشر است. دعا‌هایی که گاه از جانب پیامبران و نیکان روزگار گزارش شده و گاه هویت و سرانجام ناهلان را نمایان می‌سازد.
۳. در میان دعا‌های قرآنی، ادعیه‌ی برجای مانده از پیامبران به عنوان رهروان بی‌بدیل طریق معرفت و راه‌نمایان به سوی سعادت، بیش از همه اهمیت داشته و شایسته‌ی عنایت خوانندگان کلام وحی است.
۴. حضرت ابراهیم (ع) به عنوان قهرمان توحید و الگوی قرآنی، در روایات اسلامی به وصف «دعا» یا همان بسیار دعاکننده معرفی شده است. جلوه‌های این وصف در نیایش‌های ایشان در معجزه‌ی خاتم مؤید این امر است. دعا‌هایی که گاه جنبه‌ی فردی داشته و گاه راهی فراتر از



- عصرها و نسل‌ها را پیموده و بر اهل ایمان است تا با تاسی از سیره‌ی عملی ایشان در عرصه‌ی راز و نیاز، زمینه‌های تعدیل خواسته‌ها و نزدیک شدن آن به اجابت را دنبال نمایند.
۵. عمل‌گرایی و همراهی دعا با بندگی، نکته‌ی شایسته‌ی توجّه در دعاهای حضرت ابراهیم (ع) است. تحلیل آیات قرآنی مرتبط با نیایش‌های ایشان، حاکی از آن است که هم‌بستگی میان فرمان‌برداری از حق تعالی و درخواست‌های ابراهیم (ع) وجود دارد. دعاهای ایشان در پی امتثال دستورات پروردگار بوده و از این رو، همواره پیوست اجابت را به همراه داشته است.
۶. افق بلند حضرت ابراهیم (ع) در نیایش، دیگر مسئله‌ی قابل توجّه در دعاهای ایشان است. امری که در مسئله طلب فرزند، موضوع بنیان نهادن خانه‌ی خدا و هجرت خانواده‌ی ایشان به مکه مشهود است. چه ایشان در دعای بر فرزندان، صالح بودن ایشان، فرمان‌پذیری و تسلیم در برابر پروردگار و هدایتگری خلق را مطلوب خود دانسته است. هم‌چنین، هنگام برپایی خانه‌ی خدا به همراه اسماعیل (ع)، تلاش خویش را منوط به قبول الهی دانسته و با راز و نیاز با باری تعالی، تضمینی برای کوشش خود مطالبه کرده است. ایشان هنگام هجرت و کوچاندن همسر و فرزند نیز به سرزمین بی آب و علف، دو امر امنیّت و بهره‌مندی از روزی را که عامل بقای پیام وحی است، مسئلت نموده‌اند.
۷. نماد دیگر دعاهای ابراهیمی، خیرخواهی محض، پرهیز از نفرین و دغدغه‌مندی ایشان به امر هدایت آدمیان است. موضوعی که افزون بر تلاش حضرت ابراهیم (ع) در تبلیغ رسالت الهی، در آیات دعای بر سرپرست ایشان نمود یافته است. امری مبتنی بر وعده‌ی هدایت که در راستای وظیفه‌ی هدایت‌بخشی ابراهیم (ع) تعریف می‌شود.
۸. معادباوری و آخرت‌مداری روی دیگر دعاهای حضرت ابراهیم (ع) در قرآن است. امری که پژواک آن در یقین به اجابت و حاجت‌خواهی بهشت برین و میراث‌بری آن و نجات از عذاب خزی و رسوایی در روز قیامت، هویدا است.
۹. در پایان به پژوهشگران و مروجان قرآن کریم و سیره‌ی اولیای دین پیشنهاد می‌شود که با دریافت صحیح شیوه‌های نیایش اصیل و ضابطه‌مند تقلینی و ارائه‌ی ساختارمند آن، روح معنویت و راز و نیاز با معبود را در جامعه رواج داده و زمینه‌ی درافتادن اهل ایمان در حلقه‌های معنوی کاذب، خودساخته و بدفرجام را مسدود نمایند.

۱۰. هم چنین در پایان، دو گونه تحقیق با تمرکز بر دعاهای قرآنی پیامبران پیشنهاد می شود. نخست آن که محققان گرامی با درانداختن طرحی نوین نیایش‌های دیگر پیغامبران الهی را تحلیل نموده و لطایف آن را دریابند. پیشنهاد دیگر، بررسی مقارن و تطبیقی ادعیه پیامبران در قرآن کریم است. طرحی کلان که می‌توان آن را در امکانی مفصل‌تر از مقاله‌ی علمی و در قالب پایان‌نامه و یا پژوهش‌های مستقل پی‌جویی نمود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود بن عبد الله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تحقیق عبد الرزاق المهدی. بیروت: دار الکتب العربیة.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴م). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. تونس: التونسیة للنشر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: دار طیبة للنشر و التوزیع.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۱ش). مکاتب تفسیری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی با مشارکت پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دار الکتب الاسلامیة.
- بنت الشاطی، عایشه عبد الرحمن. (۱۳۹۷ق). التفسیر البیانی للقرآن الکریم. قاهره: دارالمعارف.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پورت، جان دیون. (۱۳۸۲ش). عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن. ترجمه سید غلام‌رضا سعیدی. تهران: اطلاعات.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۲۰۰۲م). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبر، حسن. (۱۴۲۱ق). بنت الشاطی من قریب. کویت: دار الکتب الحدیث.
- خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل. بیروت: الکتب العلمیة.
- حاکم نیسابوری، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: الکتب العلمیة.
- الزرقانی، محمد عبد العظیم. (۱۳۷۲ق). مناهل العرفان فی علوم القرآن. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- الزمخشری، ابوالقاسم جار الله محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربیة.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۲ق). المناهج التفسیریة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- السیوطی، جلال الدین. (۱۳۹۸ق). الإیتقان فی علوم القرآن. مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- شربینی، محمد بن احمد. (۱۲۸۵ق). السراج المنیر. القاهرة: مطبعة بولاق.

- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۴۱۰ق). الخصال. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- ..... (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ..... (۱۳۸۶ش). قرآن در اسلام. قم: بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طبیب حسینی، سید محمود. ۱۳۹۵ش. «شیوه تفسیر بیانی در التفسیر البیانی». فصل نامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث  
 حسنا، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۹۸-۱۸۲.
- فاید، عبد الوهاب. (۱۹۷۳م). منهج ابن عطیة فی التفسیر. القاهرة: الهيئة العامة لشؤون المطابع الأميرية.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۹۹۴م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. بیروت: دار الکلم الطیب.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۹۶۴م). الجامع لاحکام القرآن. القاهرة: دار الکتب المصریة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. دار الکتب الاسلامیة: تهران.
- اللیثی الواسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.
- ماتریدی، ابومنصور محمد (۱۴۲۶ق). تفسیر الماتریدی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ماوردی، علی بن محمد. (۲۰۰۰م). النکت و العیون (تفسیر الماوردی). بیروت: دار الکتب العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۳۱ق). نهج الدعاء. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (۱۹۴۶م). تفسیر المراغی. مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ودود، آمنه. (۱۴۰۰ش). قرآن و زن: بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن. ترجمه اعظم بویا و معصومه آگاهی. تهران: انتشارات حکمت.